

تحلیلی کوتاه در حوزه اقتصاد استان کرمانشاه

استان کرمانشاه با حدود ۲۵۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت و ۱۹۰۰۰۰۰ نفر جمعیت، حدود ۱.۵ درصد مساحت کشور، ۲.۵ درصد جمعیت، یک درصد واحدهای صنعتی، بالاتر از ۸.۵ درصد صادرات غیر نفتی کشور از مرزهای استان، حدود ۹ میلیارد متر مکعب آب سطحی و زیرزمینی در سال، حدود ۱۰ درصد آثار تاریخی و ۵ درصد زمین‌های قابل کشت کشور را داراست. این در حالی است که این استان دارای ۳۳۰ کیلومتر مرز مشترک با عراق (هم منطقه کرد نشین و هم منطقه عرب نشین)، سه بازارچه مرزی فعال، معادن مهم نفت و گاز و قیر طبیعی قابل توجه است. قرار گرفتن در مرکزیت غرب کشور منجر شده است تا استان کرمانشاه به محور اصلی ترانزیت و جابجایی کالا و مسافر به کشور عراق تبدیل شود. در کنار ظرفیت بسیار بالا در زمینه‌های فرهنگی - هنری، بایستی تنوع اقلیمی برای تولید محصولات کشاورزی، پرورش دام و طیور و گیاهان دارویی را نیز به قابلیت‌های موجود استان افزود.

این استان به صورت تاریخی محل تولید محصولات کشاورزی و دامداری بوده است. این مزیت تاریخی و سنتی که به واسطه معتدل بودن آب و هوا و نیز دارا بودن حدود ۵ درصد زمین‌های حاصل خیز کشور بوجود آمده است باعث شده تا به صورت سنتی این استان را قطب کشاورزی بدانند و انتظارات این حوزه بیشتر از سایر حوزه‌های اقتصادی در همه اعصار مدیریتی استان بوده است. با وجود این مزیت تاریخی متأسفانه عدم تخصیص مناسب منابع مالی و سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و صنعتی به حوزه صنعت و مخصوصاً زیرساخت‌های تولید در استان، باعث شده است تا نه تنها این مزیت بزرگ تولید محصولات کشاورزی در استان نتواند بخش عمده‌ای از تولید ارزش افزوده، درآمد و اشتغال را پوشش دهد، بلکه محصولات تولیدی این بخش نیز به علت عدم وجود صنایع تبدیلی کافی و مناسب، مشمول قاعده فروش نرفتگی شده و دست کشاورزان را در تصاحب دست رنج خویش خالی گذاشته است.

استان کرمانشاه بر اساس آمارهای رسمی حدود ۱۰۰۰ واحد صنعتی دارای پروانه بهره‌برداری دارد که از این تعداد در بهترین شرایط حدود ۳۰۰ مورد فعال هستند. این استان دارای بیش از ۸۶۰ هزار هکتار زمین قابل کشاورزی و حدود ۹ میلیارد متر مکعب آب در سال است که حدود ۲۴۰ هزار هکتار آن به صورت آبی کشت می‌گردد و بیش از دو سوم این آب از استان کرمانشاه بدون استفاده‌ای صحیح در حوزه‌های متفاوت اقتصادی بیرون می‌رود. در این استان حدود ۱۰ درصد آثار تاریخی و جاذبه‌های گردشگری کشور که دارای ثبت ملی هستند قرار دارد (از این بین بیستون ثبت بین‌المللی و معبد آناهیتا و طاقستان شهرت جهانی دارند)، ولی سهم این استان از منابع قابل تخصیص این بخش در کشور به کمتر از ۱ درصد کشور می‌رسد؛ لذا سهم گردشگران واقعی استان نیز از کل گردشگران کشور به همین میزان و کمتر شده است. جمعیت فعال استان حدود ۷۰۰ هزار نفر و جمعیت شاغل استان کمتر از ۵۰۰ هزار نفر است. لذا کرمانشاه از استان‌هایی است که پائین‌ترین نرخ مشارکت و بالاترین نرخ‌های بیکاری را در کشور در طول کل سال‌های پس از انقلاب تجربه کرده است. شایسته است متذکر شوم که این استان در طول سال‌های دفاع مقدس زمانی که استان‌های دیگر با دلارهای ۷ تومانی آباد می‌شدند، شاهد تخریب سرمایه‌های فیزیکی و طبیعی خود به علت موقعیت جنگی و بمباران‌های دشمن بوده است. در کنار این تخریب به علت شرایط نامساعد جنگی بیش از ۱۷ سال از ابتدای انقلاب، از هر گونه نگاه توسعه‌گرایانه و سرمایه‌گذاری جدی در زیر ساخت‌ها و صنعتی به دور بوده است، لذا نتوانسته است سرمایه‌گذاری‌های مناسب زیر بنایی

دولت را در قالب طرح‌های بزرگ صنعتی و زیربنایی ملی مانند راه آهن، فولاد، خودروسازی، پالایشگاه‌های پیشرفته، دانشگاه‌های مادر و بزرگ صنعتی، پایانه‌های بارگیری و باراندازی بزرگ مرزی، سردخانه‌های فوق بزرگ، سدها، کانالهای انتقال آب و سایر پروژه‌هایی که در استان‌های دیگر در ۱۷ سال اول انقلاب به اجرا درآمده‌اند جذب نماید. لذا در شرایط جنگی سال‌های دفاع مقدس (۸ سال) و سال‌های نه جنگ نه صلح پس از آن (بیش از ۸ سال) مردم استان کرمانشاه هم از این سرمایه‌گذاری‌ها محروم مانده‌اند و هم در همان زمان‌ها شاهد از دست رفتن سرمایه‌هایی بوده‌اند که با خون دل ساخته بودند و با بمب باران‌های دشمن تخریب و نابود می‌گردید (شهر کرمانشاه به عنوان مرکز استان بیش از ۳۰۰۰ بار بمباران شده است). شایان ذکر است که دولت پهلوی نیز در منطقه غرب تمایل به اجرای هیچگونه سرمایه‌گذاری جدی و بزرگ صنعتی نداشت و فقر و بیکاری میراثی است که از آن زمان برای این منطقه برجای مانده است و همچنان ادامه دارد. در جمع‌بندی مسائل استان باید گفت کرمانشاه از مشکلات پیچیده و بزرگی رنج می‌برد. که از جمله آنها میتوان به موارد ذیل اشاره داشت:

- نرخ بالای بیکاری و کم کاری آشکار و پنهان
- بالا بودن نرخ راكد ماندن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده به گونه‌ای که از حدود ۱۰۰۰ واحد صنعتی دارای پروانه بهره‌برداری، حدوداً ۳۰۰ مورد فعال هستند و آن هم با ظرفیت تولیدی کمتر از ۶۰ درصد.
- وجود پدیده شوم ریزگردها که موجبات بروز بیماری، مهاجرت نخبه‌گان، افزایش استهلاک سرمایه‌های موجود صنعتی، کاهش بارآوری محصولات کشاورزی، بهم خوردن بافت خاک و حاصل‌خیزی زمین و نیز کاهش گردشگران استان شده است.
- فقدان ارتباط ارگانیک میان مراکز مختلف تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی که منجر به کاهش کارآمدی سازمانهای اجرایی و افزایش زمان و بالا رفتن هزینه‌های تصمیم‌گیری در استان شده است.
- برخی مطالعات در حوزه اندازه‌گیری نرخ‌های تجمعی تورم و بیکاری با یکدیگر (نرخ فلاکت) استان کرمانشاه را از استان‌های با بزرگترین نرخ در این شاخص نشان می‌دهد.
- ناقص ماندن بسیاری از زنجیره‌های اصلی تولیدی و خدماتی در بخش‌های متفاوت و پرهزینه شدن تولید ارزش افزوده از طریق این زنجیره‌ها.
- پائین بودن سطح عمومی مهارت‌های اصلی مورد نیاز برای نیروی کار در ایجاد زمینه مناسب اشتغال‌پذیری مناسب، مخصوصاً برای قشر عظیمی از جمعیت که در روستاها و یا در سکونتگاه‌های غیر رسمی زندگی می‌کنند.
- شایان ذکر است که از نظر تاریخی رژیم پهلوی در منطقه غرب تمایل به اجرای هیچ‌گونه سرمایه‌گذاری جدی و بزرگ صنعتی نداشته است و متأسفانه جنگ تحمیلی ۸ ساله و عوارض حاصل از آن به فرایند توسعه یافتگی در استان آسیب جدی وارد کرده است.
- یک مقایسه ساده بین تمایل سرمایه‌گذاری دولت و بخشهای عمومی کشور در مناطق متفاوت کشور نشان میدهد که توجه به سرمایه‌گذاری در زیر بناهای مهمی چون راه آهن، فرودگاه و جاده در مناطق مرکزی، شمال کشور و منطقه

شمال شرقی نسبت به منطقه استان کشور به هیچ وجه قابل مقایسه نیست و منطقه استان کرمانشاه در این خصوص به هیچ وجه نتوانسته علاقه و تمایل دولت و سازمانهای عمومی کشور را در سرمایه گذاری در زیر بناها جلب نماید.

تحلیل موضوع:

این مقدمه نشان می‌دهد که اولین مشکل استان بی‌توجهی به حوزه تشکیل سرمایه ثابت، چه در بخش‌های زیربنایی و چه در بخش‌های تولیدی و صنعتی بوده است. از سال‌های ۱۳۷۶ به بعد که دولت تمایل به عمران منطقه را از طریق تزریق اعتبارات بازسازی سرمایه‌ای و توسعه زیر ساخت‌ها به نمایش گذارد، متأسفانه نبود یک نگاه درست کارشناسی، یک مدل صحیح و کارآمد برای تخصیص منابع و یک مدیریت شایسته و کارا برای تخصیص منابع، منجر به این شده است که با وجود سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته و منابع مالی صرف شده، مشکل بیکاری و فقر فراگیر در استان همچنان به گونه‌ای سخت‌جان از خود مقاومت نشان داده است. به صورت تاریخی تقریباً نرخ واقعی بیکاری در استان همواره رقمی بالاتر از ۲۰ درصد بوده و میزان درآمد و هزینه خانوار متوسط استان از سطح متوسط کشور پائین تر بوده و خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد استان نزدیک به ۱۰۰ هزار خانوار شده است.

تقریباً همه سرمایه‌گذاری‌های صنعتی شکل گرفته در استان و محصولات عمده تولیدی آن به صورت تصادفی انتخاب شده و دارای زنجیره گسترده تأمین صنعتی با حلقه‌های فراوان مفقود و بحرانی بسیار هستند. این موضوع هزینه‌های تولید را بسیار بزرگ و توان رقابتی را در بازارها به شدت کاهش داده است. عدم وجود یک نگاه مدیریتی یکپارچه و سیستمی، عدم وجود برنامه‌های مشخص تکمیل و چابک سازی زنجیره‌های گسترده صنعتی، عدم وجود نگاه تقویت رقابت‌پذیری و بهبود دهنده فضای کسب و کار درست و عدم توجه خوشه محور در حوزه توسعه خوشه‌های سنتی کسب و کار موجود، به طور کلی عدم وجود یک نگاه کارآمد اقتصادی مبتنی بر تخصیص بهینه منابع باعث شده تا منابع سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بسیار کوچک، کور، مستقل از زنجیره‌های تولید استان و بدون توجه به بازارهای تأمین مواد اولیه و فروش محصول صرف شده و حاصل آن شده است که در کنار بیکاری بزرگ در سرمایه‌های انسانی و با نرخ بلوغ بر ۲۰ درصد، بیکاری در ماشین‌آلات و تجهیزات، ساختمان‌های ساخته شده صنعتی، سوله، و حتی منابع مالی قابل مصرف در استان یک پدیده عمومی و عادی شده است.

با این توضیح می‌توان نتیجه گرفت که در فضای کنونی استان کرمانشاه اگر کارخانه‌های تأسیس شده (بیش از ۱۰۰۰ کارخانه) همه به فعالیت درآیند، آبهای استان زمین‌های استان را مشروب نماید، و منابع مالی موجود در بانک‌های استان صرف تولید و چرخش چرخ تولید استان شوند، بی‌شک می‌توان انتظار داشت تا حتی بدون سرمایه‌گذاری‌های اضافی سهم بزرگی از مشکل بیکاری کاهش یابد و فقر از سفره‌های مردم رانده شود.

اما پایین بودن سطح سرمایه اجتماعی و عدم وجود اعتماد در فضای کسب و کار، سخت بودن امکان بهره‌برداری از حقوق مالکیت و زمان بر بودن پروسه‌های اقامه دعوی، ضعف نهادهای اجتماعی و سرکوب نهادهای سنتی موجود حوزه کسب و کار از طریق بی‌توجهی، نبود اطلاعات درست و شفاف و ارزان در حوزه فعالیت‌های کسب و کار، نداشتن دانش کارشناسی صحیح در حوزه مدیریت کسب و کار و فرایندهای اداری معطوف به کسب و کار، ناآشنا بودن مدیران و کارشناسان دولتی حوزه‌های تسهیل کننده کسب و کار از روش‌های صحیح و کارآمد، و از همه مهمتر تأخیرهای بزرگ

در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و پرداختن طلب‌های پیمانکاران بومی که آفت بزرگ مدیران ناتوان، ترسو و اتوبوسی است، از مهمترین عواملی هستند که در استان کرمانشاه مشکلات بزرگی را بوجود آورده‌اند. هر چند باید تذکر داد که بسیاری از این مشکلات برگرفته از رویه‌های اثر گذار در حوزه‌های ملی هستند.

محورهای استراتژیک پیشنهادی برای تخصیص منابع و فعالیت مدیران:

با این مقدمه باید گفت که برای مواجهه با این مشکل البته که نمی‌توان معجزه کرد و نباید نیز انتظار داشت تا در مدت کوتاهی این مشکلات برطرف گردد. اما با توجه به سرمایه‌گذاری‌های از قبل انجام شده که هم اکنون بهره‌ور نشده‌اند، منابع انسانی، تجهیزات، فرصت‌های کسب و کار، امکان صادرات آسان به کشور عراق با وجود بیش از ۳۳۰ کیلومتر مرز مشترک استان با دو منطقه کرد نشین و عرب نشین این کشور و نهادهای سنتی پشتیبانی کننده کسب و کار استان، در کنار نیروی انسانی کارآمد بخش تجارت و کسب و کار می‌توان نسبت به تشخیص و پیشنهاد چهار محور راهبردی و استراتژیک مشخص برای توسعه استان اقدام و با تخصیص منابع موجود در قالب این چهار محور راهبردی، نسبت به بهبود اوضاع استان اقدام کرد. شرح این چهار راهبرد به شرح ذیل خواهد آمد:

۱. تمرکز روی بازرگانی صادرات محور

۱-۱. به عهده گرفتن نقش بازرگان و واسطه تجاری برای صادر کردن محصولات تولیدی سایر استان‌های کشور به کشورهای دیگر (شایان ذکر است که از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ بخش بازرگانی معطوف به صادرات استان از حدود ۲۰ میلیون دلار در سال به حدود ۳ میلیارد دلار در سال رشد داشته است. این نکته نشان می‌دهد بالاترین مزیت استان که میتواند نسبت به استان‌های دیگر مزیت رقابتی محسوب گردد، بخش تجارت معطوف به صادرات آن است. این یعنی محوریت تجارت معطوف به صادرات منجر به تقویت بخشهای بازار محور در حوزه های کشاورزی و صنعت خواهد شد و محور قرار گرفتن تجارت تقویت بخش‌های صنعت و کشاورزی را طلب می‌کند).

۱-۲. تعریف نقش تولید برای صادرات در واحدهای تولیدی موجود استان (در شرایط کنونی از حدود ۱۰۰۰ واحد تولیدی موجود استان حدود ۳۰۰ مورد فعال هستند و آن هم با ظرفیت کمتر از ۶۰ درصد. بیشتر مطالعات و تحلیل‌های کارشناسی در این حوزه نشان می‌دهد مشکل اصلی این واحدها نبود تقاضای مکفی در داخل است. این در حالی است که بخش عمده تقاضای نزدیک و در دسترس در فاصله‌ای کمتر از ۳۰۰ کیلومتر در کشور عراق وجود دارد که همه نوع محصول را می‌طلبد. تغییر رویه دولت در تشویق صادرات، ایجاد و تزریق خط اعتباری مناسب و جدید صرفاً به منظور تولید صادراتی و تسهیل تشریفات صادراتی در کنار کمک به بازار رسانی و حضور موفق این واحدها در بازارهای صادراتی می‌تواند نقش مؤثری در بهبود شرایط کنونی داشته باشد).

۱-۳. تمرکز روی مجتمع کردن خدمات مورد نیاز صادراتی کشور در پنجره‌های واحد صادراتی در استان (بسیاری از خدمات همراه در حوزه صادرات مانند اخذ مجوزها، اخذ پروانه‌های استانداردهای ویژه، تشریفات گمرکی، بسته بندی های خاص، خدمات انبارداری، باراندازی و بیمه، کنترل‌های ویژه و مخصوص صادرات، اگر در یک پنجره واحد و آن هم در پایانه‌های رسمی مرزی و مخصوصاً مرزهای پرویزخان و خسروی متمرکز گردند و شرایط کنونی این مرزها به

یک شرایط ایده آل و قابل قبول تقویت شوند، می‌توانند ظرفیت خدمات رسانی استان را برای خدمات دادن به کلیه تولیدکنندگان کشور افزایش داده و موجبات بالاتر رشد صادرات کشور را به همراه داشته باشد).

۴-۱. تمرکز روی شکل‌گیری و تأسیس نمایشگاه بین‌المللی و مرکز بزرگ تجارت کشور در غرب کشور در قالب یک برج بسیار بزرگ اداری، نمایشگاهی، تجاری (هم اکنون در استان حدود ۱۰۰۰ کارت بازرگانی صادر شده که بیش از ۴۰۰ مورد آن فعال و با سطح مناسبی نسبت به انجام فعالیت‌های تجاری مشغولند. در کنار این موضوع باید از بیش از ۳۱ اطاق بازرگانی و صنایع و معادن که تمایل دارند در استان دفتر داشته باشند می‌توان صحبت کرد. هر سال تعداد زیادی از گروه‌های تجاری خارجی از استان دیدن می‌کنند و توافقنامه‌های تجاری رد و بدل می‌نمایند، تشریفات صادراتی بسیاری از کالاهای تولید شده کشور در استان کرمانشاه اجرا می‌گردد و ... این در حالی است که هیچ مکان بزرگ و مناسبی برای این همه ارزش در حال خق شدن در نظر گرفته نشده است. اگر یک برج تجاری مناسب که بتواند همه خدمات مورد نیاز صادرات کشور را از مرزهای استان شامل دفاتر همه بانک‌ها، دفاتر بیمه، دفاتر استانداردها، آزمایشگاه‌های رفرانس و مرجع، نقطه تجاری، خدمات اقامتی و هتلینگ، خدمات اداری و ... را با هم داشته باشد و هر بازرگان یک دفتر ارزشمند در آن داشته باشد و هر اطاق بازرگانی استانی نمایندگی خود را داشته و دستگاه‌های نظارتی نیز هر یک دفاتر خود را در آن مفتوح نمایند، این مکان مناسب می‌تواند نقش پنجره واحد صادراتی را ایفا نموده و در توسعه صادراتی کشور بسیار موفق ظاهر گردد. قابل ذکر است برای احداث این مکان با توجه به مشخص بودن بهره‌برداران و تمایل شدید آنها برای مستقر شدن در چنین مکان ارزشمندی، تمایل بالایی وجود دارد تا تنها پس از تصویب طرح و تعریف سازوکار اجرایی آن، سرمایه مورد نیاز احداث آن به صورت پرداخت مستمر زمانی تأمین گردد).

۵-۱. تقویت زیرساخت‌های سخت و نرم مورد نیاز صادراتی در استان (این زیرساخت‌ها در برخی موارد به یک زخم کهنه تبدیل شده‌اند. راه آهن غرب کشور که وظیفه بزرگی را باید به عهده بگیرد، سال‌هاست که در وعده‌های رؤسای محترم جمهوری می‌آید ولی خبری از آن نیست. یک عزم جدی در این حوزه لازم است تا در مدت مشخصی و با استفاده از توان پیمانکاری مناسب به پایان برسد. جاده‌های استان باید که خدمات استاندارد و قابلیت‌های بین‌المللی اخذ نمایند. محور کرمانشاه به کردستان باید که مورد اصلاح قرار گرفته و دو بانده شود. فرودگاه کرمانشاه باید تقویت گردد. هرچند میزان تولید برق استان در شرایط کنونی کافی است ولی در آینده‌ای نزدیک با رشد بالای مصرف برق، نیاز شدید به تأسیس نیروگاه جدید در استان وجود دارد. در حوزه آب و مسائل مهم آن باید نگاه جامعی برای مهار و بهره‌برداری بیشتر شکل بگیرد و مخصوصاً مشکل آب دشت‌های ارزشمند استان مانند دشت ماهیدشت حل شود. برخی از مراکز تولیدی و خدمات‌دهنده هستند که به علت جامعیت و محوریت آنها نقش زیرساخت را بازی می‌کنند. از این دست می‌توان توجه نسبت به تکمیل و به بهره‌برداری رسانیدن پالایشگاه آناهیتا، تأسیس مراکز تشخیص و ارائه دهنده استانداردهای خاص و ویژه و انواع ایزوهای متفاوت را نام برد. تقویت سرمایه بانک‌های استان از دیگر انتظاراتی است که نقش زیرساخت را بازی می‌کند. همچنین توجه به مهارت‌افزایی همه جانبه در همه فعالیت‌های تولیدی و خدماتی استان از این گروه زیرساخت محسوب می‌گردد. در کنار این موضوعات زیرساخت‌های نرم‌افزاری، تقویت و چابک‌سازی رویه‌های کاری و کاهش تشریفات اداری در همه فعالیت‌های ارائه‌مجموعه‌های فعالیت می‌تواند در این حوزه مهم قلمداد گردد).

۲. تمرکز روی افزایش کارایی تخصیصی

۱-۲. شناسایی حلقه‌های مفقود فعالیت‌های اجرایی در حوزه راه‌اندازی طرح‌های موجود نیمه تمام و یا تمام شده هم‌اکنون را کد.

۲-۲. پیش خرید تضمین شده دولت از واحدهای اقتصادی استان و پرداخت پیش پرداخت به عنوان سرمایه در گردش (اگر دولت شامل دولت و شرکت‌های دولتی) سالیانه ۲.۵ درصد (سهم جمعیت استان از کشور) از خریدهای خود را از محصولات استان انجام دهند، کلیه واحدهای اقتصادی استان قادر به پاسخ‌گویی به این میزان تقاضا با بکارگیری ۱۰۰ درصد فعالیت نیز نخواهند بود. این نوع اقدام مانند تزریق خون تازه به رگ‌های تولید و اقتصاد استان خواهد بود.

۳-۲. تشکیل اطاق‌های اعتماد بین بانک‌ها و بخش خصوصی و تقویت سازوکار و کمک به بهبود سطح گفتگوهای بانکها و نمایندگان بخش خصوصی در این اطاق‌ها.

۴-۲. تقویت سرمایه صندوق‌های ضمانت دهنده به تولید کنندگان در همه بخش‌ها به گونه‌ای که ظرفیت وثیقه‌گذاری واحدهای تولیدی افزایش یافته، بتوانند از منابع اعتباری جدید برای سرمایه در گردش استفاده کنند.

۵-۲. هدایت منابع مالی اداره شده، بودجه‌های اختصاصی و منابع شرکت‌های دولتی به سمت و سوی راه‌اندازی طرح‌های نیمه کاره و یا را کد و احتراز از سرمایه‌گذاری‌های جدیدی که حلقه‌های مفقود تولید را در استان پوشش نمی‌دهند.

۶-۲. ایجاد بانک اطلاعات کارجویان و جاهای خالی کار و تسریع در امر معرفی کارجویان به جاهای خالی کار طی یک فرایند سریع، روان و مطمئن.

۷-۲. ایجاد بانک اطلاعات فروشندگان و خریداران در همه محصولات تولیدی استان و معرفی سریع خریداران به فروشندگان طی یک فرایند سریع، روان و مطمئن.

۸-۲. تسهیل فرایندهای اداری و کاهش تعداد امضاها و مورد نیاز تا حد ممکن در همه فرایندهای اداری معطوف به اخذ مجوزهای بخش‌های تولیدی.

۹-۲. تقویت حوزه مشاوره‌های تخصصی و حرفه‌ای به بخش‌های متفاوت کسب و کار از طریق ایجاد و تقویت مشاوران توانمند خصوصی (با وجود تحصیل کردگان و دانشگاه‌های مناسب و بزرگ در استان) و انتقال وظایف عملیاتی مختلف حوزه‌های تولید به این بخش در کنار وظیفه خواهی صحیح از آنها.

۳. تمرکز روی تقویت سرمایه اجتماعی

۱-۳. تدوین و اجرای برنامه‌های اعتماد بخش بین همه گروه‌های مشارکت‌کننده در فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی. این موضوع می‌تواند شامل اعتماد به محصولات داخلی نسبت به محصولات خارجی از طریق برنامه‌های مشخص هدایت شده تبلیغاتی، میزگردهای کارشناسی، مقالات کارشناسی در نشریات، سخن‌رانی‌های تخصصی هدایت شده در دانشگاه‌ها، اخبار موفقیت محصولات ایرانی و باشد. اعتماد به محصول داخلی منجر به ایجاد اعتماد به توانمندی، اعتماد به مهارت، اعتماد به سلامت و ... شده و زمینه ایجاد اعتماد همه جانبه را بوجود خواهد آورد. اعتماد هم‌زمان انجام مطالعه و اخذ

تصمیم را کاهش می‌دهد و هم عمق همکاری و مشارکت را افزایش خواهد داد. این موضوع اولین گام در حوزه تقویت سرمایه اجتماعی است.

۲-۳. ایجاد شرایط مناسب اعتماد به پیمانکاران داخلی استان. بسیاری از پروژه‌های متفاوت دولتی که در استان به انجام می‌رسند توسط پیمانکاران غیر استانی انجام می‌شوند. این موضوع باعث شده تا بخش پیمانکاری توانمندی در استان شکل نگیرد و چرخه باطلی از فعالیت‌های بعدی را بوجود آورد (چون پیمانکار قوی وجود ندارد کارها به پیمانکاران بیرون استان سپرده می‌شود و چون کارها به پیمانکاران بیرون استان سپرده می‌شود، بخش پیمانکاری قابل و توانمند در استان شکل نمی‌گیرد).

۳-۳. تقویت قابلیت‌های کارشناسی تعریف و انعقاد موافقتنامه‌های اجرای بودجه‌های عمرانی در ادارات استان در زمان قانونی مقرر و به هنگام، اقدام به اجرای تشریفات مناقصه و انتخاب پیمانکاران به گونه‌ای که در ماه اول سال بودجه‌های عمرانی و جاری بدون هیچ کم و کاستی بتوانند طی یک برنامه منظم مصرف شوند. وضعیت کنونی که در خرداد سال بعد موافقتنامه‌ها منعقد شده و بودجه یک سال تنها در چند ماه مصرف می‌گردد تا برگشت نخورد، اولاً نشان از بی‌لیاقتی مدیریت‌هایی دارد که در این موضوع دخیل هستند و ثانیاً ایجاد یک جو شدیداً بی‌اعتمادی نسبت به فعالیت‌های عمرانی در استان نموده است. به گونه‌ای که بودجه دولت به عنوان امانت مردم نزد مدیران رعایت نشده و به آن بی‌توجهی می‌گردد (نوعی خیانت در امانت پنهان) و در کنار آن از شکل گرفتن یک فضای شفاف و قابل اعتماد برای فعالان بخش پیمانکاری جلوگیری می‌گردد. این موضوع باعث ایجاد صدمه به بدنه سرمایه اجتماعی و کاهش اعتماد به بهنگام بودن، درست بودن و سالم بودن فعالیت‌های این حوزه شده است.

۴-۳. تقویت مهارت‌های شهروندی در همه زمینه‌های متفاوت مشارکت جویی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، سبک زندگی، قانون‌مداری، قانون خواهی، ارتقای سطح ارتباطات بین اشخاص، بین سازمان‌ها و بین نهادهای اجتماعی و اشخاص و سازمان‌ها، از طریق تعریف و اجرای برنامه‌های درست، جامع و با پوشش بزرگ آموزش‌های عمومی. در این حوزه در کنار اجرای پروژه‌های بزرگ اقتصادی لازم است تا به همان اندازه به ایجاد سرمایه اجتماعی در بهره‌برداران آن پروژه‌ها و مردم سرمایه‌گذاری کنیم. نبود یک سرمایه اجتماعی مناسب و قابل اعتماد باعث هدر رفتن و بیکار ماندن سرمایه‌گذاری‌های دیگر خواهد شد.

۵-۳. شناسایی نهادهای موجود اجتماعی و هویت بخش و تقویت آنها به منظور مبرز کردن مؤلفه‌های سنتی موجود برای سرمایه اجتماعی (نکات تأکید را شکل خواهند داد).

۶-۳. تعریف و تشکیل نهادهای اجتماعی جدید مبتنی بر گفتگوی اجتماعی و شروع و تقویت فرایندهای نهادسازی اجتماعی در راستای تسهیل‌گری اجتماعی.

۷-۳. تقویت حوزه‌های متفاوت مهارت‌افزایی در مهارت‌های پایه، مهارت‌های فنی و تخصصی، مهارت‌های معطوف به بهبود توانایی اداره کسب و کارها و مهارت‌های سبک زندگی.

۴. تمرکز بر تکمیل و چابک سازی زنجیره‌های گسترده صنعتی استان

- ۱-۴. شناسایی زنجیره‌های گسترده صنعتی برای محصولات عمده و اصلی استان و تعیین حلقه‌های بحرانی و مفقوده آنها.
- ۲-۴. تعیین شاخص‌های اصلی سیاست‌گذاری برای تقویت و چابک سازی این زنجیره‌ها.
- ۳-۴. تعیین عامل توسعه زنجیره و ایجاد امکان اجرای فرایندهای توسعه زنجیره و تسهیل‌گری در حوزه چابک سازی زنجیره‌های اصلی با اتخاذ برنامه اولویت بندی مناسب در انتخاب زنجیره‌های مهم.
- ۴-۴. تعیین خوشه‌های صنعتی قابل توسعه و اقدام برای توسعه این خوشه‌ها طی یک برنامه منظم و مشخص.
- ۵-۴. هدایت سرمایه‌گذاری‌های جدید در استان در راستای پوشش و پیوستگی زنجیره‌های گسترده تأمین صنعتی به گونه‌ای که حلقه‌های مفقود و بحرانی این زنجیره‌ها با این سرمایه‌گذاری‌ها مرتفع گردند.
- ۶-۴. هدایت منابع مالی و اعتباری بخش‌های دولتی متولی صنعت و تولید در استان در راستای ایفای نقش در این وظیفه خطیر.

جمع بندی و نتیجه‌گیری:

گفته شد که استان کرمانشاه با حدود ۲۵۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت و ۱۹۰۰۰۰۰ نفر جمعیت، حدود ۱.۵ درصد مساحت کشور، ۲.۵ درصد جمعیت، یک درصد واحدهای صنعتی، بالاتر از ۸.۵ درصد صادرات غیر نفتی کشور از مرزهای استان، حدود ۹ میلیارد متر مکعب آب سطحی و زیرزمینی در سال، حدود ۱۰ درصد آثار تاریخی و ۵ درصد زمین‌های قابل کشت کشور، ۳۳۰ کیلومتر مرز مشترک با عراق (هم منطقه کرد نشین و هم منطقه عرب نشین) و مرکزیت غرب کشور را داراست ولی از مشکلات پیچیده و بزرگی چون نرخ بالای بیکاری، راکد ماندن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، وجود پدیده شوم ریزگردها، و ناقص ماندن بسیاری از زنجیره‌های اصلی تولیدی رنج می‌برد.

با توجه به سرمایه‌گذاری‌های از قبل انجام شده می‌توان نسبت به پیشنهاد چهار محور راهبردی اقدام کرد:

۱. تمرکز بر روی بازرگانی صادرات محور به منظور استفاده از فرصت‌های تولید در استان و سایر استان‌های کشور، در بخش هندلینگ صادراتی که تخصص بازرگانان استان است و ضمن تقویت بافت تولیدی سایر استان‌ها، سهم قابل قبولی از ارزش افزوده این زنجیره را به استان منتقل خواهد کرد.
۲. تمرکز بر روی کارایی تخصیصی سرمایه‌گذاری‌های از قبل انجام شده هم اکنون راکد. این کار به منظور کاهش نرخ بیکاری سرمایه‌های صنعتی، ساختمانی و نیروی انسانی خواهد بود که باعث حرکت از یک وضعیت از داخل مرز امکانات تولید به سمت مرزهای امکانات تولیدی استان خواهد شد.
۳. تمرکز بر تقویت سرمایه‌های اجتماعی، نهادها و توسعه آموزش‌های عمومی، شهروندی، سبک زندگی و تخصیصی برای کلیه مردم. این موضوع باعث می‌گردد تا بتوان دو راهبرد قبلی را با توانمندسازی و ارتقای مهارت‌های اقتصادی، شهروندی و اجتماعی مردم با سرعت بیشتری به پیش برد و نتیجه بخش نمود.
۴. تمرکز بر چابک سازی و تکمیل زنجیره‌های گسترده تأمین صنعتی محصولات اصلی و عمده استان در کنار توجه به توسعه خوشه‌های صنعتی و کسب و کار دارای توجیه در استان.

گروه پژوهشی - مرکز مطالعات و پژوهشهای اقتصادی اتاق بازرگانی کرمانشاه - آبان ۹۴